تحلیل عوامل ساختاری مؤثر بر مشارکت روستاییان درتوسعه‌ی نواحی روستایی مطالعه موردی شهرستان ایجرود- استان زنجان

دریافت مقاله:۹۰/۱۰/۱۹ پذیرش مقاله: ۹۱/۲/۲۹
صفحات:۴۵-۲۵

علی اکبر عنابستانی: دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی- دانشگاه فردوسی مشهد[1]
Email: anabestani@um.ac.ir
حمید شایان: دانشیار جغرافیای روستایی- دانشگاه فردوسی مشهد
Email: shayan34@yahoo.com
حمید جلالیان: استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه خوارزمی
Email: hamidjalalian@tmu.ac.ir
علی اکبر تقیلو: استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه ارومیه
Email: a.taghilo@gmail.com
رضا خسرو بیگی: دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد
Email: khosrobeigi.reza@gmail.com

چکیده

مشارکت بدون شک عامل اساسی در فرایند فعالیتهای پایدار اقتصادی است. اما تمرکز قدرت نزد دولت درطول تاریخ ایران سبب گردید تا تشکیل نهادهای مردمی با چالش روبرو شود. در این تحقیق تشکلهای مشارکتی موجود در روستاها همراه با زمینه‌های کارکردی آنها از نظر کارایی و رفع نیازهای ساکنان، از دیدگاه مردم مورد بررسی قرار گرفته و شاخص های محدود و تسهیل کننده سیاسی و مدیریتی مشارکت از دیدگاه صاحب نظران و متولیان توسعه روستایی بررسی و تاثیر آنها بر میزان مشارکت سنجش شده است. روش تحقیق در این پژوهش از نظر هدف کاربردی و به لحاظ روش بر پایه‌ی روش توصیفی و تحلیلی استوار بوده و روش جمع آوری اطلاعات، با استفاده از پرسشنامه حجم نمونه تحقیق یعنی ۱۶ نفر از کارشناسان متولی توسعه روستایی و ۲۲ نفر از کارشناسان علمی طراحی شده است. نتایج نشان می‌دهد رضایتمندی از نهادها و تشکلهای مردمی، شورای اسلامی، دهیاریها، شوراهای حل اختلاف و شرکت تعاونی به ترتیب ۲/۳، ۲/۱ ، ۳/۵ و ۲/۱ از ۵ بر اساس طیف لیکرت است. میزان جلب مشارکت مردم توسط سازمانهای دولتی نیز با میانگین

[1]. نویسنده مسئول: مشهد- بلوار وکیل آباد- شهرک صدف- ۱۵- پلاک ۳۷

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

۲/۶ کمتر از حد متوسط است. یافته های تحلیلی تحقیق نیز بیانگر این است که همبستگی معنی داری با ضریب ۰/۲۵۵ بین ضعف رضایت مردم از عملکرد نهادها و کاهش میزان مشارکت آنها با نهادهای موجود در روستاها وجود دارد. هم چنین همبستگی معناداری با ضریب ۰/۹۷۳- بین میزان دخالت دولت در امور نهادهای مردمی با میزان موفقیت سازمانهای دولتی در جلب مشارکت مردم در قالب نهادها وجود دارد.

کلید واژگان: نهادهای مردمی، رضایت مردم، عملکرد نهادها، ضعف آگاهی، ضعف قانون.

مقدمه

مشارکت در خلاء انجام نمی شود. باید از طریق نمایندگی مردم در نهادها یعنی در مجامع تصمیم گیری تحقق یابد زیرا سازمانهای داوطلب می توانند در تسهیل توسعه نامتمرکز، نقش مهمی را ایفا نمایند. در واقع گستره ای که آنها به عنوان ابزارهای محرک برای مشارکت و بسیج مردمی موفق هستند، ممکن است بر موفقیت سیاستهای تمرکززدایی تاثیر داشته باشند. زیرا این گونه سازمانها به موانع منافع متضاد در یک منطقه کمک می کند(سازمان جهانی خواربار و کشاورزی، ۱۳۷۱: ۷۲).سازمانهای مردمی که به دست انسان برای ساماندهی به امور و تحقق هدفها پدید آمده اند از عمده ترین ابزار توسعه محسوب می شوند(جعفرزاده پور، ۱۳۸۸: ۳۰۹). مشارکت بدون شک عامل اساسی در ایجاد فعالیتهای پایدار اقتصادی است. اما قبل از آن باید شناختی از ویژگیهای سطح ملی و محلی وجود داشته باشد. علاوه برآن نقش سازمانها بایستی با عوامل و استراتژیهای توسعه در شرایط محیطی ویژه کشورها منطبق باشد(Basu, 2008: 17). گولین[1] نشان داد که توسعه در ابتدا به سازمانهای مشارکتی و ساختار نهادی توسعه مربوط است که ظرفیت و توانایی مردم را درکنترل زندگی و اداره مشکلات جامعه افزایش می‌دهد(Michael,2002: 5). نهادهای مدنی، تشکل‌های مردمی و غیر دولتی هستند که در حد فاصل توده های مردم با دولت بوجود می آیند و بخشی از مردم را برای دست یابی به هدفی مشخص در یکی از حوزه های اجتماعی، سازماندهی می کنند(منظور و یادی پور، ۱۳۸۷: ۱۵۲).

[1] - Gullin

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

مشارکت داوطلبانه و سازمان یافته با عملکرد دولت پیوند خورده است و نقش آن در گسترش و محدود کردن زمینه‌های مشارکت تعریف می شود. شرایط جامعه ایران و مسائل ومشکلات مختلف که اغلب ناشی از برنامه های نامتوازن توسعه می باشد، مشارکت مردم و پیگیری خواسته ها و اجرای برنامه ها از طریق تشکلهای غیر دولتی را ایجاب می کند. سازمانهای غیر دولتی متشکل از نیروهای داوطلب می باشند و در پیگیری امور مغفول و دستیابی به توسعه پایدار نقش مهمی می توانند ایفا کنند(قانعی راد و حسینی، ۱۳۸۴: ۹۹) ولی در تشکیل چنین تشکلها و درگیر ساختن مردم در امورات مربوط به آنها موانع چندی وجود دارد. مهمترین چالش فراروی نهادهای مردمی از این منظر این است که، دولت صاحب حق انحصاری دراعمال قدرت و حاکمیت زوراست(مسعودنیا، ۱۳۸۴: ۱۳۱). با توجه به مطالعات اکتشافی اولیه در منطقه، رضایتمندی کافی ازاقدامات مشارکتی دولت وجود ندارد. در صورتی که دولت بعنوان تسهیل گر در گسترش مشارکت مردم در فرایند توسعه روستایی به شمار می رود و سازو کارها را برای استفاده از توان و انرژی مردم نواحی روستایی و حل مسائل و مشکلات روستاها طراحی می کند. در ایران بنا به دلایلی این استراتژیها عمدتا در جلب مشارکت مردم بصورت توده ای طراحی شده و مشارکت سازمان یافته را با مشکلاتی مواجه ساخته است. بر اساس مسائل فوق سوال اصلی تحقیق بدین صورت مطرح می شود: چرا نهادهای محلی در جامعه روستایی در جلب مشارکت مردم از موفقیت لازم برخوردار نیستند؟

مبانی نظری تحقیق

جامعه مدنی به معنای کلی به حوزه عمومی تعلق دارد و عرصه عمومی مستقل از دولت و مجموعه ای از نهادها و تشکل‌های خصوصی است. احزاب سیاسی و انجمنهای داوطلبانه(اتحادیه ها، انجمنهای حرفه ای، انجمنهای علمی، انجمنهای دینی) مصادیقی از جامعه مدنی هستند(عبدالهی و ساعی، ۱۳۸۴: ۱۰). جامعه مدنی از روابط موثر، فعال، سازمان یافته و دوطرفه افراد و گروههای اجتماعی پدید می آید و مدنیت از استقرار نهادهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی که از ویژگیهای پایداری، پاسخ به نیازها ، علایق و آینده نگری برخوردارند، بوجود می آید. مفهوم جامعه مدنی محل تلاقی این دو مفهوم است(محمدی، ۱۳۷۶: ۷). تشکل‌های جامعه مدنی بر اساس توافق و قرار داد میان اعضاء شکل می گیرند و چیزی بیرون از این قرارداد بر آنها حاکم نیست. در تشکیل این تشکل‌ها اصولی وجود دارد که مهمترین آنها عبارتند از: اصل سودمندی، انگیزه تجمع افراد است چون در کارهای جمعی انتظار می رود که منافع افراد بیشتر تامین می شود. اصل مسئولیت، مکمل اختیار و عضویت

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

داوطلبانه در تشکل‌هاست. اصل تساقط، مبنای تفکیک وظایف تشکل‌ها و تقلیل قواعد آمرانه آنهاست. اصل استخدام، مبنای تنظیم روابط افراد بر مبنای حقوق برابر و مسئولیتهای برابر است. اصل جبر، مبنای زدودن اجبار از دستورالعملهای تشکل‌ها و اعطای مسئولیت به افراد در یک سازکار طبیعی و خود پذیرنده است. اصل جهل، مبنای جریان آزاد اطلاعات در درون تشکل‌هاست و اصل شفافیت، مبنای نفی هر گونه پنهان کاری در هر سطحی از روابط درون تشکل‌هاست(همان: ۱۸).

شکل گیری تشکل‌ها و مشارکت مردم در جامعه مدنی و موفقیت آنها به رابطه دولت و جامعه در چگونگی توزیع قدرت بستگی دارد. هابز* چهار موج سراسری در این رابطه ارائه داده است: در سازه اول دولت بورژوایی- یعنی شروط نهادینه شدن پول و قدرت- را مشخص می‌کند. موج دوم به معنی تنظیم اقتدار بر مبنای قانون اساسی بر وجهی است که تا آن زمان محدود و تنها مقید به شکل قضایی و وسایل بروکراتیک بود. در این شکل، افراد بعنوان شهروند در برابر حاکم دارای حقوق مدنی هستند. قدرت (موج سوم) دولت مبتنی بر قانون اساسی دموکراتیک شد، همه‌ی افراد به عنوان شهروندان یک کشور دارای حق مشارکت سیاسی شدند. موج چهارم، پیشرفت به سمت دولت دموکراتیک که آن را می توان با نهادینه کردن قانونی رابطه قدرت، درک کرد(مک کارتی، ۱۳۸۴: ۲۸۶- ۲۸۲). درطول تاریخ سیاسی ایران، تمرکز قدرت نزد دولت مرکزی سبب گردیده تا موضوع مشارکت اکثراً از طریق ساز و کارهای دولتی دنبال شود، لذا بدیهی است که تشکیل نهادهای مردمی مهمترین چالش فراروی قدرت‌های سنتی بوده است. برخی از راهکارهایی که دولتها برای کمرنگ کردن نقش سازمانهای غیر دولتی اتخاذ نموده‌اند، عبارت بود از:

- دخالت مستقیم و غیرمستقیم در فعالیت نهادهای غیردولتی؛
- سوءاستفاده از نیاز اقتصادی نهادها و وابسته ساختن آنها به خود ازنظراقتصادی؛
- نفوذ در بدنه نهادها و سپردن زمام امور آنها دست هواداران خود؛
- تبدیل نهادهای غیردولتی به پیمانکاران دولتی (مسعود نیا، ۱۳۸۴: ۷۹).

مشارکتی که در چهارچوب جامعه مدنی مد نظر است مشارکت توده‌ای نیست بلکه مشارکت سازمان یافته در زمینه‌های مختلف اعم از قضایی(دفاع از حقوق شهروندی) اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که به عنوان رابط مردم و دولت و یا با قدرت‌های فراتر از قدرت مردم عمل می‌کنند. در جامعه مدنی این امر توسط سازمانهای غیر دولتی(NGO)* و نهادهای

* - Habz
* - Non Government Organization

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

مردمی(GRO)* ودیگر تشکل‌های مردمی انجام می شود. نهادهایی که مشارکت مردم را در امر توسعه روستایی امکان پذیر می‌سازند عبارتند از:

- نهادهای مردمی(GRO): نهادهای مدنی تشکل‌هایی مردمی و غیر دولتی هستند که در حد فاصل توده های مردم با دولت بوجود می آیند و بخشی از مردم را برای دستیابی به یک هدف مشخص، و در یکی از حوزه های اجتماعی سازماندهی می کنند.

- گروههای توسعه محلی(LDG)* : این نهادها می توانند در زمینه‌های گوناگون گروههای مردمی را در کنار همدیگر قرار دهند و قدرت آنها را در انجام کارهای عمرانی و توسعه ای و در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و غیره متمرکز کرده و موجب توسعه محلی شوند. (Weinberger and Hutting, 2001: 1403).

- نهاد قضایی؛ این نهاد، حقوق مالکیت و اجرای تعهدات طرفین قراردادها را تضمین می‌کند. از تعدّی اقویا به حقوق ضعفا و حقوق فردی و اجتماعی آحاد جامعه ممانعت می کند و امنیت و نظم اجتماعی را برقرار می‌سازد(راغفر، ۱۳۸۶: ۱۴۶).

- نهاد تولید؛ نهاد تولید به دنبال خود مناسبات خاصی را در جامعه بر قرار می کند و موجب شکل گیری و رشد نهادهای دیگری متناسب با نظام تولیدی می شوند(پیشین: ۱۴۶). این تشکل‌ها بایستی دارای کارکردهای افزایشی در زمینه‌های سود اقتصادی، بهره‌وری اجتماعی، برابری در درآمد و دسترسی به امکانات و خدمات، و مشارکت مردم را فراهم نمایند(آزادی و کرمی، ۱۳۸۰: ۳۷).

- سازمانهای غیر دولتی(NGO): سازمان یک گروه مشتمل بر دو یا چند نفر برای فعالیت ویژه‌ای است که جهت خدمت به جامعه تشکیل می شود. این گروه ممکن است براساس قوانین نوشته شده و یا نانوشته تشکیل شود. به عبارت دیگر این سازمانها به همکاری منطقی و عقلانی توسط گروهی از افراد برای بهبود اهداف عمومی جامعه اشاره می کند (Nepal, 2009: 59). این سازمانها از دو عنصر مرتبط تشکیل شده است: شکلی از عقاید اشخاص نسبت به دیگران وسازمانها و دوم رهیافت تکاملی نقشها و رهیافت نقش مکرر [در مشارکت] تعریف شده است(Gagliardi,2008: 417).

در زمینه‌ی بررسی مشارکت روستاییان در فرایند توسعه‌ی روستایی و عوامل ساختاری مؤثر بر آن در سطح روستاهای کشور ما تحقیقات متعددی صورت پذیرفته است ولی کمتر به

* - Grass Roots Organization
* -Local Development Groups

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

مقوله‌ی عوامل ساختاری و ارتباط آن با مشارکت روستاییان در سطح جامعه‌ی اشاره شده است. در ادامه نتایج تعدادی از این تحقیقات مورد بررسی قرار می‌گیرد: عبدالهی و همکاران (۱۳۸۸) در تحلیل مشارکت تشکل های مردمی در برنامه های ترویجی پیرامون توسعه پایدار روستایی نشان می دهند میزان مشارکت ۷۰ درصد شوراها در برنامه های ترویجی در سطح زیاد تحت تأثیر متغیرهایی از قبیل مشوق ها، دانش توسعه پایدار شوراها، و نیازهای آموزشی بوده است. وثوقی و فرجی (۱۳۸۵) در پژوهشی جامعه شناختی در زمینه عوامل موثر بر تمایل کشاورزان به مشارکت در یکپارچه سازی اراضی مزروعی نشان می‌دهند که متغیرهای سواد، فراهم بودن فرصت های شغلی، میزان مالکیت زمین، عضویت در گروه، اطلاعات، اعتماد مردم به یکدیگر، اعتماد مردم به دولت و عوامل انگیزشی دارای رابطه معناداری با متغیر میزان تمایل مالکان به مشارکت در یکپارچه سازی اراضی مزروعی می باشند. آرایش و حسینی (۱۳۸۹) در تحلیل رگرسیونی عوامل موثر بر مشارکت مردم در حفظ، احیا، توسعه و بهره برداری منابع طبیعی تجدید شونده از دیدگاه کارشناسان منابع طبیعی استان ایلام نشان می‌دهند که بین متغیرهای عوامل سیاسی - قانونی، اجتماعی - فرهنگی، قابلیت های مروجین منابع طبیعی، ساختار و برنامه ریزی تشکیلات ترویج، متغیرهای اقتصادی و روان شناختی با متغیر مشارکت مردمی رابطه وجود دارد. هاشمی و همکاران(۱۳۸۸) در بررسی عوامل اجتماعی و روانی موثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران نشان می‌دهند بین متغیرهای سن، وضعیت تاهل، سطح تحصیلات، انعطاف مذهبی، درجه مذهبی بودن، رضایت از زندگی، آزادی سیاسی و... با میزان مشارکت سیاسی رابطه و همبستگی معناداری دارد. زارعی و همکاران (۱۳۸۸) در تحلیل عوامل تاثیرگذار بر مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه آبرسانی بخش جرقویه شهرستان اصفهان معتقدند که عواملی چون مشارکت در حفاظت و توسعه فنی شبکه، مشارکت در افزایش بهره‌وری آبیاری، مشارکت در توزیع بهینه آب، مشارکت در فعالیت‌های گروهی و همکاری با ادارات دولتی آب حدود ۷۲ درصد کل زمینه‌های مشارکت کشاورزان عضو تشکل آب بران را در مدیریت شبکه آبرسانی مشخص می‌کند.

و از منابع خارجی نیز می توان به تعدادی از آنها اشاره نمود که با تحقیق حاضر دارای شباهت می باشند. از جمله: چکوی[1] (۲۰۱۱) معتقد است که مشارکت کنندگان را بطور معمول، به امید شناسایی مسائل عمومی، ترغیب می‌کند با دید دقیق‌تری رو به جلو حرکت کنند. گوو*

[1] - Barry Checkoway
* - David D. Gow

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

(۱۹۸۳) در بررسی مشارکت سوی دیگر مفهوم توسعه روستایی (آن چگونه می‌تواند انجام شود؟) نشان می‌دهد که پتانسیل رویکرد مشارکت با استفاده از توزیع مجدد قدرت باید همراه با ظرفیت سازی قابلیت های محلی عملی خواهد بود. فرارا*(۲۰۰۲) با استفاده از داده‌های نظر سنجی پاسخ‌دهندگان روستایی تانزانیا، معتقد است که نابرابری در سطح روستا، که بر اعضای هرگروه تاثیر منفی دارد، وجود دارد. این اثر به خصوص برای مردم نسبتا ثروتمند، در زمانی که ثروت بطور نسبتا عینی اندازه گیری می شود و هم وقتی که ذهنی تعریف می شود، قابل توجه است.

روش‌شناسی تحقیق

قلمرو یا محدوده پژوهش- شهرستان ایجرود بعنوان یکی از شهرستانهای استان زنجان، ۴۷ درجه ۴۹ دقیقه تا ۴۸ درجه ۳۵ دقیقه عرض شمالی و ۳۶ درجه ۵ دقیقه تا ۳۶ درجه ۳۴ دقیقه طول شرقی را قرار گرفته است(سازمان برنامه بودجه، ۱۳۷۶: ۳). شهرستان ایجرود حدود ۱۸۲۹ کیلومتر مربع مساحت دارد. از سمت شمال و شمال غرب به شهرستانهای زنجان و ماهنشان، از سمت شرق به شهرستان ابهر، از جنوب و جنوب شرق به شهرستان خدابنده و از سمت غرب با استان کردستان همجوار است. این شهرستان از نظر ارتباطی در مسیر جاده زنجان به کردستان و در فاصله ۳۵ کیلو متری مرکز استان واقع شده است.

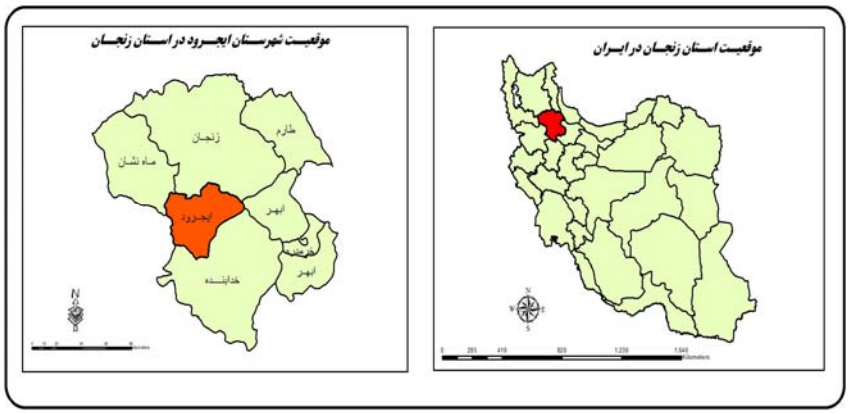

شکل(۱) موقعیت جغرافیایی منطقه مأخذ: استانداری زنجان، ۱۳۹۰

* - Eliana La Ferrara

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

روش تحقیق- روش شناسی تحقیق، که روش مناسب هر پژوهش را بر اساس موضوع تحقیق و طرح آن انتخاب می‌کند، از مهم‌ترین بخشهای فرآیند پژوهش است. انتخاب روش تحقیق بستگی به اهداف و ماهیت موضوع پژوهش و امکانات اجرایی آن دارد. بنابراین هنگامی می توان در مورد روش تحقیق تصمیم گرفت که عوامل یاد شده مشخص باشند(شایان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۶۶). این تحقیق، ابتدا تشکلهای مشارکتی موجود مشارکت در روستاها را همراه با زمینه‌های کارکردی آنها در ابعاد مختلف حیات اجتماعی شناسایی کرده، و سپس عملکرد هر یک از آنها را از نظر کارایی و رفع نیازهای ساکنان، از دیدگاه مردم مورد بررسی قرار می‌دهد. پس از آن شاخصهای محدود و تسهیل کننده سیاسی و مدیریتی مشارکت از دیدگاه کارشناسان، صاحب نظران و متولیان توسعه روستایی بررسی و تاثیر آنها را بر میزان جلب مشارکت مورد سنجش قرار داده است. جامعه نمونه تحقیق، ۱۶ نفر از کارشناسان سازمانهای دولتی متولی توسعه روستایی و ۲۲ نفر از کارشناسان آکادمیک است.

با توجه به مسائل مطرح شده، پرسش‌های اصلی تحقیق بدین صورت مطرح می‌شود که آیا نهادها و تشکلهای رسمی موجود نقش موثری در مشارکت روستائیان در فرایند توسعه روستاها دارند؟ و آیا بین ضریب مداخله دولت در کارکرد نهادها و تشکلهای مشارکتی با ضعف مشارکت مردم رابطه معناداری وجود دارد؟ پاسخ موقت به سوالات فوق، فرضیات تحقیق را تشکیل می‌دهد که بصورت زیر است:

- فقدان یا ضعف عملکردی نهادهای مردم محور در روستاها منجر به ضعف مشارکت مردم شده است.
- بین مداخله دولت در کارکرد سازمانها و نهادهای مدنی روستایی با ضعف مشارکت مردم رابطه معناداری وجود دارد.

متغیرهای تحقیق حاضر در دو بخش متغیرهای مستقل (عوامل ساختاری و رضایت از عملکرد نهادها) و متغیر وابسته (میزان موفقیت در جلب مشارکت مردم) مورد آزمون قرار گرفته است. ویژگی عمده متغیر مشارکت، جنبه رسمی بودن آن است و بیشتر مشارکت رسمی روستائیان را مورد سنجش قرار گرفته است. مدل تحلیلی تحقیق بر مبنای فرضیات و روش شناسی تحقیق بصورت ذیل ترسیم می گردد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

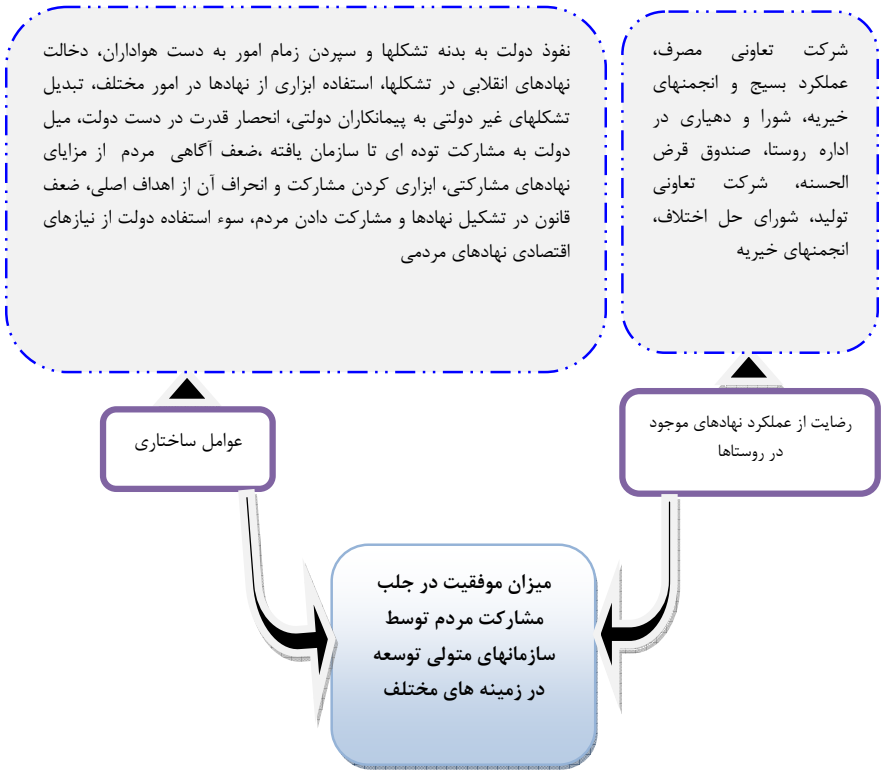

شکل(۲) مدل تحلیلی متغیرهای تحقیق یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

بررسی تشکلها و نهادهای محلی در منطقه: تشکل‌ها و نهادهای محلی مورد مطالعه عبارتند از:

۱) نهادهای مدیریتی- نهادهای مدیریتی امور روستاها بر عهده شوراهای روستایی و دهیاریها هستند. در روستاهای تحت مطالعه از نظر کمی ۱۰۰ درصد آبادیها دارای دهیاری بودند. بررسیهای انجام یافته در خصوص کیفیت عملکردی دهیاری روستاهای منطقه، نشان می دهد که مردم از عملکرد دهیاریها رضایت کافی را نداشتند. میزان رضایتمندی از دهیاریها در منطقه (۲/۴) در مقیاس لیکرت کمتر از حد متوسط است. بر اساس اظهارات مردم، عوامل اصلی عدم رضایتمندی مردم از عملکرد دهیاریها، سوی گیری این تشکلها به نفع شخصی و آشنایان سببی و نسبی است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

۲) نهاد مدیریتی دیگر امور روستاها، شوراهای روستایی است. تعداد این نهاد در روستاهای مورد مطالعه ۵۸ نهاد، معادل ۹۶/۶ درصد روستاها را شامل می شود. دلایل عدم وجود شوراها در روستاهای یدی بلاغ و احمدکندی عدم عملکرد مناسب شوراهای روستایی پیشین است که مردم تمایلی در خصوص انتخاب شورای جدید نداشتند. بررسیهای انجام یافته در خصوص روستاهای دارای این نهاد نشان می دهد که مردم از عملکرد این نهادها رضایتمندی کافی را ندارند. میانگین عملکرد شوراها در روستاها ۲/۵۳ در مقیاس طیف لیکرت پایینتر از متوسط است

۳) *نهاد قضایی-* شوراهای حل اختلاف در روستاها از جمله این نهادها هستند و عملکرد آنها عمدتا در حل و فصل اختلافات محلی خلاصه می شود. مطالعات انجام یافته نشان می دهد که از نظر کمی در تمامی روستاهای مورد مطالعه این نهاد وجود دارد. میانگین میزان رضایتمندی مردم از عملکرد این نهادها ۲/۸۱ می باشد که در مقیاس لیکرت کمتر از متوسط است. بر اساس بررسیهای صورت گرفته، ناتوانی و ترس از قدرتمندان روستا و سوی گیری اعضای نهادها علل عمده عدم رضایت مردم اظهار شده است.

۴) *نهاد تولیدی-* از جمله این نهادها در منطقه شرکتهای تعاونی تولید در روستاهای ینگی کند جامع السراء (امام خمینی) و حاجی قشلاق است که بنا به دلایلی از جمله کمبود آب و اعتبار مالی غیر فعال است و شرکت تعاونی تولید روستای ینگی‌کند تنها در زمینه بیمه محصولات کشاورزی، خدمات ارائه می دهد. میزان رضایتمندی مردم از شرکت در خصوص بیمه محصولات ۳/۳۳ می باشد که رقم مناسبی است. لازم به ذکر است که این شرکت در حال ساخت انبار و تجهیز خود می باشد.

۵) *نهادهای فنی، آموزشی و ترویجی-* این شرکتها در منطقه مورد مطالعه زیر نظر جهاد کشاورزی به فعالیت می‌پردازند و عمدتا غیر بومی بوده و دارای کارشناسان فنی در زمینه های مختلف می باشد. مشارکت مردم با این شرکتها در سطح مطلوبی نمی باشد و عمده مردم از وجود چنین شرکتهایی اطلاع کافی نداشتند، زیرا عملکرد آنها بصورت اعزام کارشناس به روستا است. در حقیقت عملکرد یک سویه بوده و از ماهیت مشارکت به آن مفهومی که در متن به آن پرداخته شده است، به دور می باشد. تعداد شرکتهای فنی، آموزشی و ترویجی در محدوده مورد بررسی ۶ شرکت می باشد که عبارتند از: شرکت تلاشگران ایجرود؛ جوقین؛ دهقان یار سعید آباد؛ خوشه زرین حلب؛ سبز گستر ایجرود و پشگامان کشت دام ایجرود. این شرکتها در زمینه‌های زیر به فعالیت می‌پردازند:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

بوجاری و فراوری بذر؛ توزیع نهاده های دامی و کشاورزی(کود، سبوس، کنستانتره و ...)؛ طرح اصلاح و احیاء باغات؛ طرح ناظرین گندم؛ طرح مشاورین فنی؛ شبکه مراقبت؛ طرحهای آموزشی و ترویجی؛ تکمیل فرم طرح جامع پایگاه اطلاعات کشاورزی در روستاها؛ برداشت کروکی از اراضی کشاورزی با GPS؛ بیمه محصولات زراعی و باغی؛ توزیع نهال و طرحهای خاک ورزی حفاظتی و آرمانی.

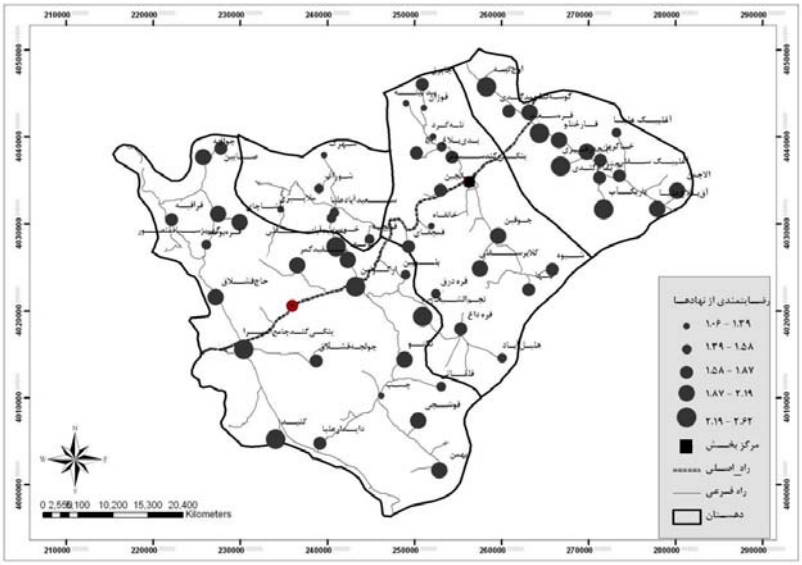

شکل(۳) نقشه میزان رضایتمندی از عملکرد نهادها

یافته‌های تحقیق

بررسی نقش عوامل ساختاری در میزان مشارکت از دیدگاه کارشناسان محلی توسعه روستایی- ضعف عملکرد نهادهای مدنی و تشکلهای مشارکتی می تواند ناشی از خلا قانونی، ضریب دخالت دولت در مدیریت نهادهای مردمی، فقدان آگاهی اجتماعی و... باشد. دولتها نهادهای مردمی را وادار می سازند که در بسیاری از کارها و اقدامات خود از دولت اجازه بگیرند. این فرایند استقلال عمل را از آنها سلب می کند. نگرش بدبینانه نیز نسبت به نهادهای مردم محور باعث می شود که دولتها در برنامه ریزی اقتصادی و مالی خود، مساعدتها و تسهیلات را برای حمایت از آنها تدارک نبینند و یا در خصوص معافیتهای مالی سختگیری کنند و یا اگر کمکی کرده باشند آنها را وادار سازند که پیرو سیاستهای آنها باشند. همچنین از نظر سازمانهای غیر دولتی مناسبترین شرایط زمانی است که محدودیتهای قانونی به حداقل کاهش یابد و آنها در

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

جریان ثبت، تامین نیازها و برقراری ارتباط با مراجع مختلف مشکلی نداشته باشند. نبود قوانینی که تشکلهای مردمی را به رسمیت بشناسد مانع عمده ای برای استحقاق حقوق فردی واجتماعی افراد است(سعیدی، ۱۳۸۲: ۱۷۴). برای این منظور لازم است همگام با تغییر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، ساختارهای قانونی نیز اصلاحاتی را در خود بپذیرد زیرا در غیر این صورت مانع جدی برای رشد نهادهای مردم محور وجود خواهد داشت. بنابر تفاسیر فوق، تجزیه و تحلیل مسائل ساختاری موثر در ضعف مشارکت مردم، ابتدا دیدگاه کارشناسان سازمانهای محلی توسعه روستایی مورد ارزیابی قرار گرفته است.

برای بررسی میزان موفقیت سازمانهای دولتی در جلب مشارکت مردم از آزمون t استفاده گردید که نتایج آن در جدول زیر آمده است. نتایج نشان می دهد که میانگین(۲/۶) مشارکت از میانه نظری ۳ کمتر است و با میانه نظری تفاوت معنی داری دارد. میزان معنی داری جلب مشارکت مردم برابر با ۰/۰۳۷است که نشان دهنده تفاوت معنی دار با میانه نظری است. به عبارتی میزان موفقیت جلب مشارکت توسط سازمانها پایین تر از حد متوسط است.

جدول(۱) میزان موفقیت در جلب مشارکت مردم توسط سازمانهای توسعه روستایی

مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری دوطرفه	تفاوت میانگین	دامنه‌ی تفاوت با سطح اطمینان ۹۵٪	
				پایین	بالا
-۲/۴۴۹	۱۵	۰/۰۳۷	-۰/۴	-۰/۷۶۹۴	-۰/۰۳۰۶

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

وضعیت عوامل ساختاری مشارکت مانند نفوذ دولت به بدنه تشکلها و سپردن زمام امور به دست هواداران، دخالت نهادهای انقلابی در تشکلها، استفاده ابزاری از نهادها در امورات گوناگون، نشان می دهد که میانگین عوامل باز دارنده در آنها ۳/۱۷ می باشد. بر اساس آزمون t تک نمونه ای، عدد ۳ به عنوان میانه نظری پاسخ ها با میانگین عوامل بازدارنده مقایسه گردید.

با توجه به نتایج جدول زیر ملاحظه می شود که بین میانگین این عوامل و عدد۳ اختلاف معناداری وجود ندارد($p< ۰/۰۵$). بنابراین میزان دخالت دولت در حد متوسط بوده است.

جدول(۲): مقایسه‌ی میزان دخالت دولت در نهادهای مردمی از دیدگاه کارشناسان محلی

مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری دوطرفه	تفاوت میانگین	دامنه‌ی تفاوت با سطح اطمینان ۹۵٪	
				پایین	بالا
۰/۳۴۵	۱۵	۰/۷۴۷	۰/۱۷۷۷۸	-۱/۲۵۱۳	۱/۶۰۶۹

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

برای بررسی رابطه بین میزان دخالت دولت در امور نهادهای مردمی با میزان موفقیت سازمانهای دولتی در جلب مشارکت مردم در قالب نهادها از آزمون همبستگی استفاده شد که نتایج آن در جدول زیر آمده است. در این آزمون مقدار p کمتر از ۰/۰۵ است. به عبارت دیگر رابطه معناداری در سطح خطای ۰/۰۵ بین میزان دخالت دولت در امور نهادهای مردمی با میزان موفقیت ضعیف سازمانهای دولتی در جلب مشارکت مردم در قالب نهادها وجود دارد. به نحوی که مقدار آماره آزمون (۰/۹۷۳-) نشان می دهد دخالت دولت ارتباط زیادی با ضعف مشارکت مردم دارد.

بر اساس اظهارات کارشناسان محلی، روش جلب مشارکت مردم از سوی دولت با میزان نفوذی که در امور نهادهای مردمی داشته، از کارایی لازم برخوردار نبوده است. زیرا میانگین موفقیت در جلب مشارکت مردم در قالب سازمانهای غیر دولتی و نهادهای مردمی(شوراها، دهیاری و...) – که در اصل آنها نیز دولتی می باشند- در سطح پایینی قرار دارد. این امر نشان می دهد که دولت علاقه زیادی به مشارکت مردم بصورت توده ای دارد تا سازمان یافته، زیرا حمایتهای لازم را از این تشکلها به عمل نیاورده تا بتوانند با اتکا به خود مدیریت لازم را در توسعه داشته باشند. بنابراین میل دولت به مشارکت توده ای می تواند بعنوان متغیر مداخله گر بین میزان دخالت دولت و میزان موفقیت سازمانهای دولتی در جلب مشارکت مردم بصورت رسمی نقش تاثیر گذاری داشته باشد. جهت سنجش و اثبات واقعی بودن رابطه مداخله دولت و موفقیت آنها در جلب مشارکت مردم، رابطه بین میل دولت به مشارکت توده ای با میزان موفقیت آنها در مشارکت دادن مردم مورد آزمون قرار داده شد.

برای بررسی رابطه بین متغیرهای میزان موفقیت سازمانهای دولتی در جلب مشارکت مردم در قالب نهادها با میل دولت به مشارکت توده ای مردم از آزمون همبستگی استفاده شد که نتایج آن در جدول زیر آمده است. در این آزمون مقدار p با میزان ۰/۰۴۹ کمتر از ۰/۰۵ است. به عبارت دیگر رابطه معناداری در سطح خطای ۰/۰۵ بین این دو متغیر وجود دارد. با توجه به مقدار آماره آزمون (۴۰۸/-) است رابطه آنها بصورت معکوس است یعنی هر چه قدر میل دولت به مشارکت توده ای بیشتر باشد موفقیت دولت در جلب مشارکت سازمان یافته کمتر است.

میزان آگاهی اجتماعی و کیفیت قوانین مربوط به مشارکت در امر دخالت مردم در فرایند توسعه روستاها بسیار مهم است، زیرا یکی از مسائل مهم در مشارکت، شناخت زمینه ها و چگونگی مشارکت است که آگاهی از آنها می تواند در گسترش درگیری مردم در امور گوناگون روستاها نقش تعیین کننده داشته باشد. همچنین وجود زمینه های قانونی برای مشارکت مردم بسیار مهم است. بنابراین جهت تایید نقش تاثیرگذار آگاهی و کیفیت و کمیت قانون در

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

مشارکت مردم، نظر کارشناسان را مورد ارزیابی قرار می دهیم. برای بررسی میزان آگاهی مردم از دیدگاه کارشناسان از آزمون t استفاده شد که نتایج آن در جدول زیر آمده است. میانگین(۴/۴) نشان می دهد بین میزان آگاهی و میانه نظری ۳ تفاوت معناداری برقرار است. به عبارتی میزان ضعف آگاهی کمتر از متوسط ارزیابی شده است.

جدول(۳) میزان ضعف آگاهی مردم از دیدگاه متولیان محلی توسعه روستایی

مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری دوطرفه	تفاوت میانگین	دامنه‌ی تفاوت با سطح اطمینان ۹۵٪	
				پایین	بالا
۳/۵	۱۵	۰/۰۲۵	۱/۴	۰/۲۸۹۴	۲/۵۱۰۶

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

برای بررسی میزان ضعف قانون از دیدگاه کارشناسان از آزمون t-test که نتایج آن در جدول زیر آمده است. میانگین این متغیر(۴) است با سطح معناداری ۰/۰۰۸ نشان می دهد ضعف قانون با میانه نظری(۳) تفاوت معناداری دارد و می تواند مانع مشارکت مردم در قالب نهادهای مدنی باشد.

جدول(۴) میزان ضعف قانون در جلب مشارکت مردم از دیدگاه متولیان محلی توسعه روستایی

مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری دوطرفه	تفاوت میانگین	دامنه‌ی تفاوت با سطح اطمینان ۹۵٪	
				پایین	بالا
۳/۳۵۴	۱۵	۰/۰۰۸	۱	۰/۳۲۵۶	۱/۶۷۴۴

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

بررسی عوامل بازدارنده ساختاری مشارکت از دیدگاه کارشناسان آکادمیک- پس از بررسی عوامل بازدارنده ساختاری مشارکت مردم از دیدگاه کارشناسان اجرایی، مسائل را از نگاه کارشناسان اکادمیک مورد بررسی قرار گرفت. بررسی نتایج بخش قبلی نشان می دهد که میزان جلب مشارکت مردم بصورت رسمی با وجود دولتی کردن نهادهای مردمی[1] در زمینه های گوناگون نتوانسته است موفقیت رضایت بخشی* بدست آورد. بدین وسیله مسائل فوق را از دیدگاه کارشناسان غیر دولتی و یا خارج از حوزه اجرایی مورد تحلیل قرار می دهیم تا بتوانیم با تلفیق

[1]- میزان دخالت در حد متوسط
* - میانگین موفقیت ۲٫۶

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

آنها راهکارها و پیشنهادات لازم را برای بهبود وضعیت مشارکت در منطقه ارائه نماییم. در این مرحله متغیرها به چهار بخش تقسیم شده است، ضعف آگاهی مردم از مزایای مشارکت سازمان یافته، ضعف و یا خلاء قانونی، میل دولت به مشارکت توده ای و میزان مداخله دولت. سپس به آزمون هر یک از آنها می پردازیم.

برای بررسی اندازه وضعیت آگاهی مردم از مزایای مشارکت از دیدگاه کاشناسان علمی از آزمون t استفاده شده است که میانگین آن برابر ۴/۵ می باشد. سپس بر اساس آزمون t تک نمونه ای، عدد ۳ به عنوان میانه نظری پاسخ ها با میانگین عوامل بازدارنده مقایسه گردید. با توجه به نتایج جدول ملاحظه می شود که بین میانگین این متغیر و عدد۳ اختلاف معنا داری وجود دارد($p< ۰/۰۵$).

جدول(۵) ارزیابی ضعف آگاهی از مزایای مشارکت توسط روستاییان از دیدگاه کارشناسان آکادمیک

مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری دوطرفه	تفاوت میانگین	دامنه‌ی تفاوت با سطح اطمینان ۹۵٪	
				پایین	بالا
۵/۱۹۶	۲۰	۰/۰۱۴	۱/۵	۰/۵۸۱۳	۲/۴۱۸۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

آزمون نشان می دهد که میزان آگاهی مردم از مزایای مشارکت دارای اهمیت بسیار است. با مقایسه نظر کارشناسان محلی و کارشناسان جامعه دانشگاهی می توان گفت ضعف شدید آگاهی درباره مشارکت در جامعه روستایی مورد مطالعه، عامل اصلی سطح پایین مشارکت است. یکی از توانمندیهای ارزنده آگاهی اجتماعی، توان جلب مشارکت مردمی است که از طریق توسعه شناخت، معرفی راهبردهای مشارکت، ارتباط دادن موضوع مشارکت به منافع فردی و گروهی مشارکت کنندگان و هدایت آنان به سمت توجه به اطلاعاتی که این امر را ممکن می‌سازد، به دست می آید. آگاهی اجتماعی در شکل آرمانی خود، "مشارکت واقعی" را ایجاد می کند و از هر گونه کمک به ایجاد "مشارکت تحمیلی" و احتمالاً "اجباری" جلو گیری می‌کند.

خلاء قانونی از دیگر مسائل پیش روی مشارکت است. میزان اهمیت آن از دیدگاه کارشناسان مورد بررسی قرار گرفته که نتایج آن در زیر ارائه می گردد. برای بررسی ضعف و خلاء قانون در مشارکت مردم از دیدگاه کارشناسان علمی از آزمون t استفاده شده است که میانگین آن برابر ۳/۷۵ می باشد. این میزان نشان می دهد که ضعف و خلاء قانونی به عنوان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

یکی از عوامل بازدارنده مشارکت عمل می نماید. بر اساس آزمون t تک نمونه ای ملاحظه می شود که بین میانگین این متغیر(۳/۷۵) و عدد۳ اختلاف معنی داری در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد.

جدول(۶): ارزیابی از ضعف قانون در حمایت از تشکل‌های مردمی از دیدگاه کارشناسان آکادمیک

مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری دوطرفه	تفاوت میانگین	دامنه‌ی تفاوت با سطح اطمینان ۹۵٪	
				پایین	بالا
۳	۲۰	۰/۰۳۱	۰/۷۵	-۱/۶۳۶۸	۳/۱۳۶۸

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

وضعیت دخالت دولت در امور نهادهای مردمی از دیدگاه علمی دانشگاهی از آزمون t استفاده شد. با توجه به نتایج جدول ملاحظه می شود که بین میانگین این متغیر(۳/۹۵) و عدد۳ اختلاف معنی داری در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد.

جدول(۷) میزان دخالت دولت در امور تشکلها از دیدگاه کارشناسان آکادمیک

مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری دوطرفه	تفاوت میانگین	دامنه‌ی تفاوت با سطح اطمینان ۹۵٪	
				پایین	بالا
۷/۱۸۱	۲۰	۰/۰۰۶	۰/۹۵	۰/۵۲۹	۱/۳۷۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

مقدار بتای بدست آمده برای شاخص دخالت دولت ۹۹۲/- است و نشان می دهد که این شاخص تاثیر معکوسی بر میزان موفقیت سازمانها در جلب مشارکت دارد و با تغییرات آن میزان مشارکت نیز تغییر می کند. به عبارتی هر چه دخالت کمتر، میزان جلب مشارکت بیشتر. متغیر نفوذ در بدنه تشکلها با مقدار بتای ۲۶۳/- نیز تاثیر معکوسی بر مشارکت داشته است و با کاهش نفوذ در بدنه نهادها به اندازه مقدار بتای بدست آمده، ۲۶۳/ واحد میزان مشارکت را بالا می برد. متغیر استفاده ابزاری دولت از نهادها با مقدار بتای ۱۰۶/- تاثیر معکوسی بر میزان مشارکت دارد. این متغیر نیز همانند متغیرهای فوق بصورت معکوس بر مشارکت مردم تاثیر می گذارد. افزایش آن برابر با کاهش مشارکت است و برعکس.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

جدول(۸) الگوی رگرسیونی چند متغیره برای تحلیل تاثیر متغیرهای مداخله دولت بر میزان جلب مشارکت

شرح	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	مقدار T	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
ضریب ثابت	۴/۹۵۲	۰/۰۹۰		۵۸/۴۶۰	۰/۰۰۰
دخالت نهادهای انقلابی	-۰/۶۸۳	۰/۰۳۰	-۰/۹۹۲	-۲۲/۶۸۳	۰/۰۰۰
نفوذ در بدنه تشکلها	-۰/۳۰۳	۰/۰۴۰	-۰/۲۶۳	-۷/۵	۰/۰۰۰
استفاده ابزاری از نهادها	-۰/۲۲۲	۰/۰۰۰	-۰/۱۰۶	-۲/۱۶۲	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

نتیجه گیری و ارائه‌ی پیشنهادات

امروزه توسعه یافتگی داشتن مواد خام و پتانسیل تولیدی نیست، بلکه قدرت چانه زنی مردم، میزان توسعه یافتگی را نشان می دهد. این قدرت می تواند از طریق مشارکت مردم در قالب انجمنها، سازمانهای غیر دولتی و غیره انجام گیرد تا از این طریق مردم بتوانند به حقوق شهروندی نایل آیند. بررسیها نشان می دهد که منطقه مورد مطالعه، علاوه بر اینکه از خلاء نهادها رنج می برد ، نهادهای موجود نیز از کارایی لازم برخوردار نیستند. مهمترین نهاد و تشکلهای مردمی موجود شورای اسلامی، دهیاریها، شوراهای حل اختلاف و شرکت تعاونی روستایی است. میزان رضایتمندی مردم از این تشکلها به ترتیب ۲/۳، ۲/۱ ، ۳/۵ و ۲/۱ است. مهمترین نهاد مشارکتی در زمینه بازرگانی و تجاری، تعاونیهای روستایی است و به دلایلی چند از جمله کمبود اعتبار، کمبود انبار و ناآگاهی مردم از وظایف این نهادها، موجب ضعف مشارکت مردم با آنها شده و میزان رضایتمندی را تا ۲/۱ تقلیل داده است.

در پایان به اثبات یا رد فرضیات تحقیق خواهیم پرداخت که در رابطه با فرضیه‌ی اول میانگین رضایتمندی روستاییان از عملکرد نهادها در سطح منطقه از میانه نظری (۳) پایین تر است. جهت سنجش ارتباط میزان رضایتمندی با میزان مشارکت از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید و نتایج نشان می دهد درسطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ ، رابطه‌ی معنی داری با ضریب همبستگی ۰/۲۵۵ بین این دو متغیر وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت که ضعف رضایت مردم از عملکرد نهادها باعث کاهش میزان مشارکت آنها با نهادهای موجود در روستاها شده است. با توجه به مباحث فوق می توان نتیجه گرفت که فرضH_0 رد و H_1 که همان فرضیه تحقیق است، اثبات می شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

در رابطه با فرضیه‌ی دوم، همبستگی معناداری(۰/۹۷۳-) در سطح خطای ۰/۰۵ بین میزان دخالت دولت در امور نهادهای مردمی با میزان موفقیت سازمانهای دولتی در جلب مشارکت مردم در قالب نهادها وجود دارد. نتایج رگرسیون چند متغیره نشان می دهد که هر چه دخالت سازمانهای دولتی در امور تشکلهای محلی بالاتر رفته میزان جلب مشارکت مردم و استفاده از نیرو و انرژی مردمی در راستای توسعه روستاها کاهش یافته است و علاوه بر آن میزان وابستگی مردم به دولت و واگذاری امورات خود به دست اندرکاران دولتی بیشتر شده است. با استناد به همبستگی بین میزان موفقیت در جلب مشارکت با معکوس دخالت دولت و همچنین تاثیر گذاری بیش از ۹۰ درصدی متغیرهای دخالت نهادهای دولتی در امور تشکلهای مردمی، فرضیه تحقیق اثبات می گردد.

مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی جهت بهبود روند افزایش مشارکت روستاییان عبارتند از:

-با توجه به ضعف عملکرد نهادهای موجود در منطقه همانند شوراها، دهیاریها و شوراهای حل اختلاف و فقدان نهادهای تولیدی، بازرگانی و مالی، ترغیب و تشویق افراد با نفوذ و معتمد محلی رفع مشکلات و پیشبرد امور ثمر بخش خواهد بود. زیرا هر چه افراد با نفوذ در نهادهای مردمی همانند شوراها عضویت داشته باشند می توانند رابطه اعضای نهاد را هم با مردم و هم با دولت بطور مناسب بر قرار سازند.

-ضرورت تشکیل و گسترش شرکت‌های تعاونی تولید روستایی.

-تشکیل شوراهای محلی برنامه ریزی؛ این شوراها می تواند بصورت محلی جهت شناخت مشکلات و تعریف اهداف و اولویت سنجی مسائل روستاها ایجاد گردد.

-تشکیل جلسات اطلاع رسانی توسط سازمانهای مختلف در روستاها و انتقال تجربیات سایر کشورها و مناطق مختلف به روستائیان.

-ایجاد گروههای پیشرو در زمینه های گوناگون اقتصادی برای آگاه سازی مردم از طریق آموزش توام با تجربه.

-برگزاری کمیته های مشورت با روستائیان و بررسی مسائل و مشکلات موجود جهت برنامه ریزی برای سال آینده.

-آگاهی اجتماعی نسبت به آثار و کارکرد نهادها و تشکلها اندک است واز سوی دیگر سازمانهای مردمی در منطقه برای الگو سازی معدود هستند. بنابراین آموزش و معرفی آثار و کارکردهای مثبت و تجربیات کشورهای مختلف و سازمانهای مردمی موفق ضرورت دارد. این امر از طریق انتشار ماهنامه برای روستاها توسط سازمانهای مختلف در حیطه کارکرد خود می تواند در توسعه روستایی موثر واقع شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

-افزایش آگاهی مردم در ارتباط با حقوق مدنی و شهروندی جهت کاهش و تهدید قدرت دولت در خصوص دخالت در امور نهادها و تشکلهای مردمی و دفاع از حقوق شهروندی در برابر جبر قدرت فرا فردی.

منابع و ماخذ

۱. آرایش، باقر و حسینی، فرج اله(۱۳۸۹) **تحلیل رگرسیونی عوامل موثر بر مشارکت مردم در حفظ، احیاء، توسعه و بهره برداری منابع طبیعی تجدید شونده از دیدگاه کارشناسان منابع طبیعی استان ایلام**، نشریه اقتصاد و توسعه علوم و صنایع کشاورزی، شماره ۱.

۲. آزادی، حسین و کرمی، عزت‌الله (۱۳۸۰) **مقایسه موفقیت واحدهای مکانیزه تعاونیهای روستایی. تعاونیهای تولید و شرکتهای مکانیزه استان فارس**، علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، شماره سوم.

۳. استانداری زنجان (۱۳۹۰) **آخرین وضعیت تقسیمات کشوری شهرستان ایجرود**.

۴. جعفرزاده‌پور، فروزنده (۱۳۸۸) **کندوکاو در مسائل جوانان و مناسبات نسلی**، نشر جهاد دانشگاهی.

۵. راغفر، حسین (۱۳۸۶) **فقر و توزیع درآمد- تله های فقر محرومیت نسبی و عدالت اجتماعی**، مجله اقتصاد و جامعه، سال سوم.

۶. زارعی، دستگردی زهرا، ایروانی، هوشنگ، شعبانعلی فمی، حسین و مختاری حصاری، آرزو (۱۳۸۸) **تحلیل عوامل تاثیرگذار بر مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه آبرسانی بخش جرقویه شهرستان اصفهان**، تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، سال ۴۰، شماره ۲، صص ۷۰-۶۱.

۷. سعیدی، محمد رضا (۱۳۸۲) **در آمدی بر مشارکت مردمی و سازمانهای غیر دولتی**، انتشارات سمت، تهران.

۸. شایان، حمید، تقیلو، علی اکبر و خسروبیگی، رضا(۱۳۸۹) **ارزیابی میزان رضایتمندی روستائیان از محیط سکونتگاهی»، فصلنامه روستا و توسعه**، سال ۱۳، شماره۱.

۹. عبداللهی، عیوض، چیذری، محمد، پزشکی‌راد، غلامرضا و علیزاده، ندا (۱۳۸۸) **تحلیل مشارکت تشکلهای مردمی در برنامه های ترویجی پیرامون توسعه پایدار روستایی. شورای**

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

اسلامی روستاهای شهرستانهای میاندوآب و شاهین دژ، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره۳.

۱۰. عبداللهی، محمد و ساعی، علی (۱۳۸۴) **تحلیل جامعه شناختی دموکراتیزاسیون ایران»**، مجله جامعه شناسی ایران، دور ششم، شماره۳.

۱۱. قانعی راد، محمدامین و حسینی، فریده (۱۳۸۴) **ارزشها شبکه روابط و مشارکت در سازمانهای غیر دولتی جوانان تهران**، مجله جامعه شناسی ایران، شماره ۳.

۱۲. محمدی، مجید(۱۳۷۶) **جامعه مدنی به منزله یک روش**، نشر قطره.

۱۳. مسعود نیا، حسین (۱۳۸۴) **جامعه مدنی و نهادهای غیر دولتی در ایران»**، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصادی، شماره ۳۷، دانشگاه اصفهان.

۱۴. مک کارتی، توماس(۱۳۸۴) **نظریه کنش ارتباطی**، ترجمه کمال فولادی، انتشارات موسسه ایران.

۱۵. منظور، داوود و یادی‌پور، مهدی(۱۳۸۷)، «**سرمایه اجتماعی عامل توسعه اجتماعی و اقتصادی»**، فصلنامه راهبرد، شماره ۱۵.

۱۶. وثوقی، منصور و فرجی، افراسیاب (۱۳۸۵) **پژوهشی جامعه شناختی در زمینه عوامل موثر بر تمایل کشاورزان به مشارکت در یکپارچه سازی اراضی مزروعی مطالعه موردی روستاهای زرین دشت**، مجله جامعه شناسی ایران ، شماره ۷.

۱۷. هاشمی، سیدضیا, فولادیان، مجید و فاطمی‌امین، زینب(۱۳۸۸) **بررسی عوامل اجتماعی و روانی موثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران**، پژوهشنامه علوم سیاسی ، شماره۵.

Barry, Ch., (2011) ***"What is youth participation?"*** Children and Youth Services Review 33: 340–345.

Eliana La, F., (2002) ***"Inequality and group participation: theory and evidence from rural Tanzania,"*** Journal of Public Economics 85.

Gagliardi, F., (2008) ***"Institutions and economic change: A critical survey of the new institutional approaches and empirical evidence,"*** The Journal of Socio-Economics 37, 416–443.

Daivid G. and J. Vansant, (1983) ***"Beyond the Rhetoric of Rural Development Participation: How Can It Be Done?"*** World Development, Vol. 11, No. 5, pp. 421-446.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

Nepal, P., (2009) ***"local organization: Viable mechanism for ensuring participation in rural development"***, Tribhuvan University Journal, Vol. XXVI, No. 1, SEPT, 57.

Basu, R., (2008) ***"A new way to link development to institutions,"*** policies and geography policy issues in international trade and commodities study series No.37.

Michel, R., (2001) ***"Evaluating efficiency: the changing relationship between civil society and the Philippine state"***, http, Akbar, Marlboro 2001.

Michael, W., (2002), ***"Alternative Modern: Development as Cultural Geography, in S. Pile, N. Thrift and K. Anderson M. Domosh, (Eds), Handbook of Cultural Geography",*** Sage: London, pp. 433-453.

Weinberger, K. and G.P.Hutting (2001), ***"Women s participation in local organization: conditions and constraints",*** world development. Vol.29. No.8, pp 1391-1404.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]